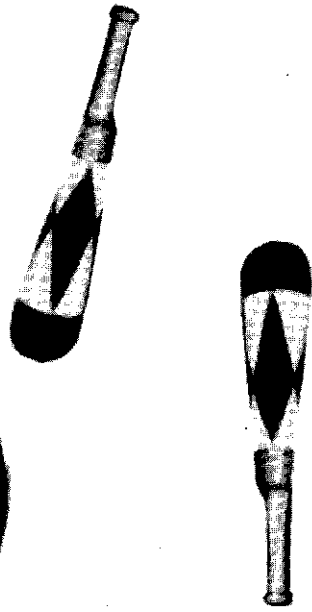


هایده صیرفی  
دکترای تخصصی  
فرهنگ و زبان‌های باستانی



«به نام یزدان دادار کردگار  
و به مردی و جوانمردی [و به رادی و راستی]  
و دم حق راستگویان  
و به حق نمک آزادان»  
و با اجازت مرشدان و پهلوانان

[الکاتب الارجانی، ۱۳۵۶: ۷۴]

آئین زورخانه‌ای را به هر آئینی که نسبت دهیم، خواه مهر پرستی، خواه عیاری و خواه عرفان، همگی یک افق مشترک دارند و آن «آئین جوانمردی» است. آئین جوانمردی در دوره‌های مختلف نام‌ها، «گرشاسب‌نامه»ها و «فتوت‌نامه»ها داشته است. جوانمردی در تنگنای کلام نمی‌گردد و عشق و منش است.

جوانمردی انسان امروز نیز یافت و بارورتر کرده. انسان امروز از تاریخ بشریت زندگی می‌کند که سخت‌ترین است.

بنابه گفتن هاشم کرین: «آئین جوانمردی جمله است که مرد بنا بر محبت و به فرمان عشق، اجرای آن‌ها را به عهده گرفته است» [کرین، ۱۳۸۲: ۱۰].

واژه‌ی جوانمرد از نظر ساختار دستوری از دو کلمه‌ی جوان (صفت) و مرد (اسم) تشکیل شده است. مقصود از جوان در مفهوم ظاهری کلمه، همان دوره‌ی جوانی است که شکوفایی صورت و جسم است. اما در معنای مجازی، در مفهوم سالک رونده است که اوج شکوفایی سیرت و جان است. این صفت و موصوف هنگامی که مقلوب می‌شوند، یعنی «جوان» تبدیل به «جوان مرد» می‌شود، چنان‌بار سیرت‌هایی می‌گیرد که بی‌درنگ ذهن از خامی به پختگی تبدیل می‌رسد.

گروهی از ایران‌شناسان بر این عقیده‌اند که: «هفت‌خوان‌های رستم و اسفندیار در «شاهنامه‌ی فردوسی»، بازتاب آئینی است برای گذر از مرحله‌ی نوجوانی و رسیدن

# «آئین جوانمردی»

به مردانگی و

جوانمردی. هفت

خوان، هفت منزل و گذرگاه

راه عشق است، مثل هفت مرتبه‌ی

آئین مهری، و در امتداد زمان، هفت مرحله‌ی سیر

و سلوک عارفان [مسکوب، ۱۳۸۱: ۳۴-۳۱] و یا مراتب

چندگانه‌ای که در زورخانه‌ها وجود دارد؛ مانند کهنه‌سوار،

مرشد، پیشکسوت، صاحب‌زنگ، صاحب‌تاج، نوچه و

جز آن.

بحث نظری و عملی جوانمردی پس از اسلام در

فتوت‌نامه‌های گوناگون آمده است. از جمله در «فتوت

نامه»ی عبدالرزاق کاشانی می‌خوانیم که: «جوانمرد، انسان

آزاده‌ای است که برای رسیدن به مرتبه‌ی او باید مراحل را

سپری کرد. مرحله‌ی نخست، مرحله‌ی مروت است. اما

مراد از مروت، خصوصیتی است که انسانیت انسان را

تشکیل می‌دهد... وقتی می‌توان سخن از فتوت (جوانمردی)

به میان آورد که همه‌ی عوامل شررها شده و نیروهای ناشی

از خیر بر شر چیرگی یافته و فضیلت و عدالت و نجابت

مصادق پیدا کرده باشد» [کرین، ۱۳۸۲: ۱۴].

جوانمردی در فتوت‌نامه‌ها بر پایه‌ی سه اصل توصیف

شده است:

نخست شریعت: یعنی راست گفتن و تسلیم شدن کامل

به قوانین الهی.

**جوانمرد  
انسان آزاده‌ای  
است که برای  
رسیدن به  
مرتبه‌ی او باید  
مراحل را  
سپری کرد**

# گفتاری پیرامون رادی و مراسم گلریزان زورخانه

طریقت: یعنی راست دیدن و درست عمل کردن  
مردم حقیقت: یعنی درست بودن و خود شخص به خود  
می تبدیل شدن [کرین، ۱۳۸۲: ۶۰].  
عنصر المعالی در خصوص جوانمردی گفته است:  
چون نیک بنگری، بازگشت همه چیزها بدین سه شرط  
باشد: اول خرد، دوم راستی، سوم مردمی.  
در کتاب «مینوی خرد»، یکی از نامه های ارزشمند دینی  
دوره ی میانه (ساسانیان) نیز بر سه اصل تأکید شده است:  
اول خرد، دوم راستی، سوم رادی.

در این گفتار به یکی از ویژگی های جوانمردی به نام  
«رادی» پرداخته می شود که در مراسم گلریزان زورخانه  
نزدیکی با مراسم «گلریزان زور» دارد.

## رادی و مراسم گلریزان

بهین رادی آنکه که بی دره و چشم  
بیخشی نداری به پاداش چشم  
چو از داد پرداختی راد باش  
وزین هر دو پیوسته آزاد باش

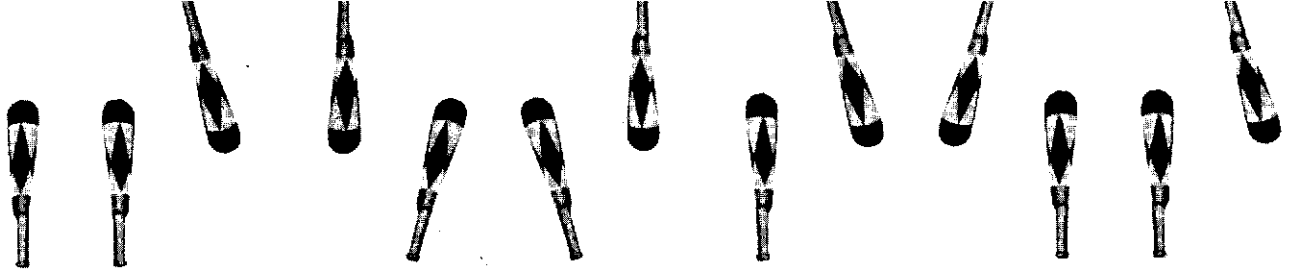
(اسدلی طوسی)  
«رادی» به معنی بخشندگی، از مصدر ra به معنی  
بخشیدن است. این واژه در اوستا و سانسکریت به صورت  
rati، و در متون دوره ی میانه به صورت radih (رادی)، در  
مفهوم داد و دهش و بخشندگی آمده است. امروزه نیز این  
واژه به همین معناست؛ چنانچه اسم و صفت های ترکیبی  
نیز با آن ساخته شده اند؛ مانند: «رادمرد» و «رادمیشی» که  
بی هیچ تردیدی، جوانمرد و جوانمردی در ردیف این واژه ها  
قرار دارند. همانا کسی شایسته این صفت است که بخشند  
و بزرگوار است.

در متون باستان، از جمله در کتاب «اوستا»، رادی چون  
ایزدی ستوده شده [هفت تن پشت، بند ۳، وندیداد ۱۹، بند ۱۹].

جوانمردی  
درفتوت نامه ها  
بر پایه ی سه  
اصل توصیف شده  
است: شریعت  
طریقت و  
حقیقت

«رادی» به  
معنی  
بخشندگی، در  
مفهوم داد و  
دهش و  
بخشندگی آمده  
است





شوالیه‌ها، خواه عیاران و فتیان در می‌بایم که تنها فاصله‌ای ظاهری به گستردگی هزاره‌ها، میان ما و تاریخ وجود دارد؛ چرا که روح همگی یکسان است.

در آئین زورخانه‌ای، علاوه بر ورزش جسم و پرورش آن که نیازمند ابزارهایی بیرونی چون: سنگ و تخته و میل و کباده است - که صورت نمادین برخی از افزارهای رزمی دوران باستان چون: سپر و گرز و کمان هستند - ورزش و پرورش روح نیز جایگاه ویژه‌ای دارد که آن نیز نیازمند ابزارهایی درونی چون: فروتنی، رادی، راستی، سیاستداری، خردورزی، نبرد با دیو درون و بسیاری دیگر است.

در کتاب مینوی خرد، همانندی تمثیلی زیبایی میان افزارهای بیرونی و افزارهای درونی آمده است: «پرسید دانا از مینوی خرد که چگونه می‌تواند بزرگان را خوشتر ساختن و چگونه می‌توان بهشت برین را از دست بزرگان چگونگی می‌توان اهریمن را بهشت آوردن و از دوزخ رستن؟ مینوی خرد چنین پاسخ داد: «بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»

«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»

«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»  
«بزرگان را خوشتر ساختن ( = خردی)»

است. در این کتاب می‌خوانیم: «رادی چون ایزدی است که نگهبان بخشندگی و دهش و جوانمردی است و هر کس که دست مستمندی گیرد و نیازمندی را یاری رساند، پس رادی از او خشنود خواهد گشت و بین او و پروردگار میانجی خواهد شد.»

در متون دوره‌ی میانه نیز، از جمله کتاب مینوی خرد، درباره‌ی رادی بسیار سخن رفته است. در این کتاب چنین آمده:

«از برای نیک نامی و رستگاری روان رادی خوشتر است.» [تفضلی، ۱۳۶۴: ۶۰].

در شاهنامه‌ی فردوسی نیز واژه‌های راد و رادی در بافت‌های گوناگون به کار برده شده‌اند:

همه مردمی باید آئین تو  
همه رادی و راستی دین تو  
نام کسان نیز با پیشوند راد در شاهنامه به دو صورت آمده است:

راد بُرَین که نام یکی از سرداران بهرام گور است:

بیاورد هم قارنِ برزمهر  
دگر راد بُرَین آژنگ چهر  
و راد فرخ که نام یکی از بزرگان در زمان

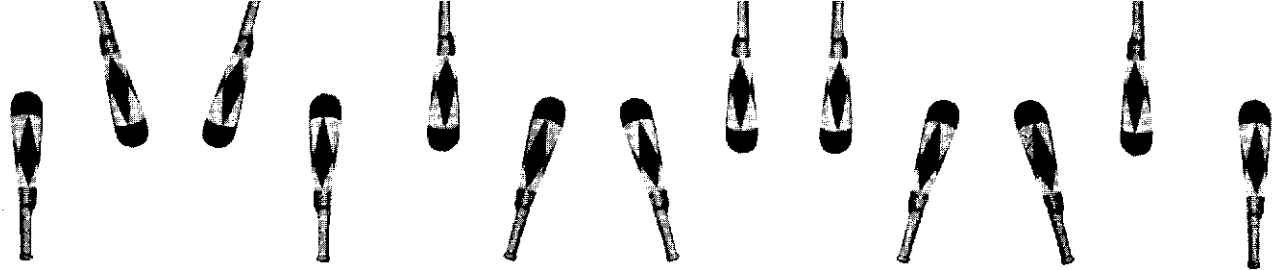
هرمزد پسر انوشیروان است:

کجا راد فرخ بدی نام اوی  
همه شادی شاه بد کام اوی  
آئین زورخانه‌ای آئینی بیرونی و درونی

است. بیرونی از آن جهت که با به کار بردن ابزارهایی که ویژه‌ی این ورزش است، به پرورش جسم و اندام پرداخته می‌شود، و درونی از آن روی که کنش‌هایی جوانمردانه دارد؛ به گونه‌ای که این ورزش را به آئین تبدیل کرده است. با گذری بر گذشته‌هایی دور و باور پیشینیان خود، خواه مهربان و

**گلریزان، نماد رادی و بخشندگی است**





- زورخانه کوتاه گرفته می شود تا هر کس در هر مقامی، با فروتنی وارد شود.
- طهارت و پاکیزگی، که نماد پاکی است و از راستی روح و روان برمی خیزد.
  - ادای احترام به گود، با بوسیدن آن هنگام ورود به آن که نماد قدم بوسی پوریای ولی و سپاسداری گود است.
  - احترام به هموارد، که همانا خوی جوانمردی است.
  - رخصت گرفتن، که نماد تکریم بزرگان است.
  - گلریزان، که نماد رادی و بخشندگی است.

اهالی زورخانه خوب می دانند که در

است. در مقایسه ای میان ساختار زورخانه ای و آنچه که از پیشینیان به جای مانده است درمی یابیم که نمونه ی بیرونی بخشندگی، رادی و سخا، در مراسم گلریزان به تمامی متجلی است. در پایان، از آن جا که روح پهلوانی و جوانمردی آهنگ ویژه ی این سرزمین و فرهنگ است، انسان هزاره ی سوم بر این باور است که:

روزی خواهد آمد که رادی و جوانمردی در تمامی کوی ها و برزن ها قدم زند.

روزی خواهد آمد که خانه ها همه خانه ی جوانمردی شوند.

روزی خواهد آمد که هر پیشه ای، فتوت نامه ای داشته باشد.

و روزی خواهد آمد که آئین مهرورزی و عیاری و فتوت و زورخانه ای، آئینی به تمامی جهانی شود.

زورخانه مراسمی وجود دارد به نام «گلریزان». مراسمی که طی آن، به مناسبتی مناسبتی در زورخانه ای برگزار می شود و نیازمندان خود را به این مناسبت می آشتی دادن دو پیشکسوت و زورخانه ای یک زورخانه، رونق پیش تر بخشندگی رساندن به مردمان به هنگام بروز نمونه ی بارز، زیبا و پهلوانی زورخانه ای، همین مراسم گلریزان است که به یک باره به وجود نیامده است. چنان که مهرورزی و بخشندگی پهلوانان است. عیاری بوده و عیاری بوده تا خانقاهی بر پا شده است. مراسم رادان نیز همانند، چرا که بن مایه ی آن بخشندگی است و رادی یکی از آئین ها و مراسمی جوانمردی

.....

۱. ملی. قطره. تهران. ۱۳۶۸.

۲. (مترجم)، مینوی خرد. توس. تهران. ۱۳۶۴.

۳. (مترجم)، فرهنگ ایران. فکر. تهران. ۱۳۷۳.

۴. (مترجم)، یسنا. تهران. ۱۳۸۰.

۵. تقضلی، احمد. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. سخن. تهران. ۱۳۷۶.

۶. (مترجم)، مینوی خرد. توس. تهران. ۱۳۶۴.

۷. الکاتب الارجانی، فرامرزین خداداد بن عبدالله. سبک عیار. به تصحیح پرویز ناتل خانلری. بنیاد فرهنگ ایران. تهران. ۱۳۵۶.

۸. کرین، هاتری. آئین جوانمردی. ترجمه ی احسان نراقی. سخن. تهران. ۱۳۸۲.

۹. مختاری، محمد. حماسه در رمز و راز

.....

1. Henry Corbin

۲. در کشور پاکستان

۳. نظیر چنین آئینی به نام احقری بود

۴. تهران. ۱۳۸۰.

۵. (مترجم)، پشتها. اساطیر. تهران. ۱۳۷۷.

۶. تقضلی، احمد. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. سخن. تهران. ۱۳۷۶.